

یادداشت

آسیب‌شناسی نهادهی احزاب سیاسی در ایران

حزب؛ خانه‌ای که هرگز ساخته نشد

علی جوانبخت لاله

وکیل دادگستری

در سال‌های اخیر، انتقاد به قدرت در ایران فراگیر شده است. رئیس‌جمهوری که «خوب نبود»، مجلسی که «درنیامد»، دولتی که «نتوانست». اما کمتر پیش می‌آید کسی از این پرسش بگذرد: قدرت از کجا می‌آید؟ ساختار قدرت، محصول انتخاب است؛ انتخاب، محصول نهادهایی است که آن را سازمان می‌دهند؛ و مهم‌ترین این نهادها در اندیشه مدرن، حزب سیاسی است. اگر احزاب، ناقص و آسیب‌دیده باشند، ساختار قدرت نیز ناگزیر آسیب‌دیده خواهد بود. انتقاد به نتیجه، بدون اصلاح سرچشمه، همانند گلیاه از محصولی است که بذر آن هرگز درست کاشته نشده است.

حزب چیست و چرا نهاد است

حزب سیاسی در معنای مدرن، نه یک جمع دوستانه است و نه یک هیئت مذهبی و نه یک باشگاه هواداران. حزب نهادهی است که سه کار انجام می‌دهد: تجمع منافع پرانکنده شهروندان در برنامه‌ای منسجم؛ آموزش سیاسی اعضا و افکار عمومی و تربیت نیروی حکمرانی. به تعبیر آدموند برک، حزب «جمعی از شهروندان است که برای پیشبرد منافع ملی، بر اساس اصولی مشترک، متحد می‌شوند». و به تعبیر مدرن‌تر، حزب پلی است میان جامعه و دولت. اکنون پرسش اصلی این است: در ایران این پل ساخته شده است؟

سه تجربه، سه آسیب

تجربه نخست، حزب توده بود. حزب توده ایران (۱۳۲۰) از نظر سازمانی، یکی از منظم‌ترین احزاب تاریخ ایران بود، اما با یک آسیب بنیادین: وابستگی فکری و سازمانی به خارج. برنامه‌اش نه از دل جامعه ایرانی و نه از تحلیل مستقل منافع ملی، بلکه از الگوی شوروی اقتباس شده بود. نتیجه، نه‌فقط شکست سیاسی، بلکه بی‌اقتصادی تاریخی به خود ایده حزب در ایران بود. درس این تجربه، نه «حزب بد است»، بلکه این است: حزبی که محتوای خود را از بیرون بگیرد، در داخل ریشه نمی‌دواند.

تجربه دوم هم هیئت‌های حسینی و مجالس مذهبی بود. این نهادها از نظر سرمایه اجتماعی و پیوند عاطفی، بی‌نظیرند، اما حزب نیستند و نباید با حزب اشتباه شوند. آسیب دیگر آن است که در چنین بستری، فضای عاطفی جای تحلیل منافع ملی را می‌گیرد و رقابت سیاسی به رقابت هویتی و گروهی فروکاست می‌شود.

تجربه سوم، جمعیت‌های مؤتلفه و احزاب مذهبی- سیاسی بود. این جریان‌ها در برخی مقاطع، نقش‌آفرین بودند، اما با همان آسیب ساختاری یعنی محتوای فکری رفیق. آموزش سیاسی محدود و وابستگی به شبکه ارتباطات شخصی و مناسکی. نتیجه آن است که در این احزاب، «برنامه» کمتر از «رابطه» اهمیت پیدا می‌کند و «تحلیل» جای خود را به «وفاداری» می‌دهد. حزبی که برنامه ندارد، در قدرت، ناگزیر روزمره‌گرا می‌شود و حزبی که آموزش ندارد، در تصمیم، ناگزیر احساسی عمل می‌کند.

آسیب‌شناسی نهادهی: پنج شکاف

شکاف اول: نبود آموزش سیاسی. در احزاب ایران، آموزش عمدتاً به معنای «کلاس ایدئولوژی» فهمیده شده است، نه «مهارت تحلیل». در حالی که آموزش سیاسی باید شامل اقتصاد، حقوق، سیاست خارجی، تحلیل منافع ملی و روش‌های تصمیم‌گیری باشد. حزبی که اینها را ندارد، در عرصه قدرت همانند راننده‌ای است که جاده را نمی‌شناسد.

شکاف دوم: خلط حوزه‌های اندیشه‌ورزی. تفکر سیاسی با تفکر ایدئولوژیک، با تفکر هیئتی و با تفکر قومی-خانوادگی، از یک جنس نیستند. هریک روش و زبان خود را دارد. وقتی این‌ن حوزه‌ها در هم می‌آمیزند، نتیجه با چالش مواجه می‌شود.

شکاف سوم: اقتباس بدون انطباق. کی‌کردن الگوی حزبی غربی یا شرقی، بدون توجه به ساختار اجتماعی ایران، همان اشتباه توده و همان اشتباه روشنفکران مشروطه است. الگو باید با بستر جامعه همخوان شود و این، نیازمند کار علمی و پژوهش میدانی است، نه ترجمه.

شکاف چهارم: رابطه معیوب حزب و قدرت. در ایران، احزاب بیشتر به عنوان ابزار مشروعیت‌بخشی به قدرت، تا کاتال انتقال مطالبات مردم عمل کرده‌اند. حزبی که در قدرت فقط «خدمتگزار» باشد و در بیرون «منتقد»، نمی‌تواند پل باشد.

شکاف پنجم: نبود شفافیت مالی و پاسخ‌گویی درونی. حزبی که سازوکار شفاف مالی و روش تصمیم‌گیری درونی ندارد، در نهایت به شبکه روابط شخصی تبدیل می‌شود و توان سیاست‌ورزی خود را از دست می‌دهد.

از آسیب‌شناسی به اصلاح

این نوشته در مقام نقد هیچ نهاد و شخصی نیست؛ در مقام تحلیل یک واقعیت نهادهی است. اصلاح ممکن است و باید از چهار نقطه آغاز شود: نخست، آموزش نظام‌مند و مستمر در حوزه‌های اقتصاد، حقوق، سیاست خارجی و روش تحلیل منافع ملی؛ دوم، تدوین برنامه مشخص و سنجش‌پذیر به‌جای شعار؛ سوم، تفکیک نهادهای مذهبی از نهادهای حزبی به‌گونه‌ای که هریک، کارکرد خود را حفظ کنند؛ چهارم، شفافیت مالی و پاسخ‌گویی درونی به عنوان شرط بقای حزب. ایران کشوری است با سرمایه عظیم اجتماعی و نخبگان توانمند. آنچه تاکنون کم داشته، نه استعداد است و نه ظرفیت، بلکه نهاد است و مهم‌ترین نهاد در سیاست، حزب است. تا زمانی که این خانه ساخته نشود، انتقاد به نتیجه، نقدی است که راه به جایی نمی‌برد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰ ۳۶۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه شرق

T.ME/ALOSHARGH

WWW.SHARGHDAILY.IR

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ تحرکات دیپلماتیک اخیر سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، و ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارشد نظامی پاکستان، ظاهراً نتوانسته است افق روشنی پیش‌روی تلاش‌ها برای حفظ کانال‌های ارتباطی میان تهران و واشینگتن ترسیم کند. از یک سو، دونالد ترامپ از نبود مذاکرات میان دو طرف سخن گفته و از سوی دیگر، محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، توقف گفت‌وگوها با آمریکا را اعلام کرده است. مجموعه این مواضع، دست‌کم در ظاهر، از تگ‌ترشدن میدان مانور دیپلماسی و دشوارترشدن دستیابی به تفاهمی پایدار حکایت دارد. در شرایطی که، بنا بر تقویم سیاسی مورد اشاره، تنها ۷۲ ساعت تا انتخابات پارلمانی اسرائیل و ۱۰ روز تا انتخابات کنکره آمریکا باقی مانده است، تحولات منطقه بیش از پیش تحت تأثیر محاسبات امنیتی، ملاحظات انتخاباتی و آرایش نظامی قدرت‌ها قرار گرفته است. با این همه، حتی در چنین فضای پرتنش، نمی‌توان از پایان قطعی دیپلماسی سخن گفت؛ زیرا در مناسبات پیچیده بین‌المللی، گاه آخرین مجاری ارتباطی همان فرصت‌های محدودی هستند که می‌توانند مانع لغزش بحران به سوی رویارویی مستقیم شوند. گزارش‌ها درباره بازگاریهای میانجیگرانه قطر و پاکستان، از جمله پیشنهادهایی برای آژانسازی بخشی از دارایی‌های مسدودشده ایران و فراهم‌کردن زمینه بازدیدهای محرمانه بازرسان، نشان می‌دهد که همچنان تلاش‌هایی برای یافتن راه‌حل‌های میانه در جریان است. در مقابل، یافشاری تهران بر شروط پیشین و تأکید واشینگتن بر دریافت امتیازهای فوری در پرونده هسته‌ای، فاصله میان خواسته‌های دو طرف را آشکار می‌سازد. مسئله صرفاً اختلاف بر سر جزئیات یک توافق نیست؛ بلکه شکاف عمیق‌تر بر سر ترتیب اقدامات، تضمین‌های متقابل و میزان اعتمادپذیری تعهدات آینده است.

چنین فضایی، اظهارات امانوئل مکرون درباره نزدیک‌بودن پاسخ تهران و اعلام آمادگی ولادیمیر پوتین برای ایفای نقش میانجی، بر اهمیت تحرکات دیپلماتیک می‌افزاید؛ هرچند هیچ‌یک از این مواضع، به‌تنهایی، تضمینی برای احیای مذاکرات یا جلوگیری از تشدید تنش‌ها به شمار نمی‌رود. آنچه بیش از هر عامل دیگری بر چشم‌انداز بحران سایه افکنده، فرسایش اعتماد متقابل و هم‌زمانی تلاش‌های سیاسی با آمادگی‌های نظامی است؛ وضعیتی که در آن، مسیر مذاکره و گزینه تقابل می‌توانند به‌صورت موازی پیش روند و حتی بر یکدیگر اثر منفی بگذارند. خطر اصلی در چنین شرایطی، نه فقط تصمیم آگاهانه برای آغاز جنگ، بلکه احتمال خطای محاسباتی، برداشت نادرست از پیام‌های طرف مقابل یا واکنشی شتاب‌زده به یک تحول میدانی است. در محیطی که کانال‌های ارتباطی محدود و سطح بی‌اعتمادی بالا باشد، یک حادثه کنترل‌نشده می‌تواند دامنه بحران را از روابط تهران و واشینگتن فراتر برد و کشورهای حاشیه خلیج فارس، وابزارهای جهانی انرژی و تجارت را نیز در معرض پیامدهای گسترده قرار دهد. از همین رو، ارزیابی وضعیت کنونی مستلزم بررسی هم‌زمان چند متغیر کلیدی است: تحولات سیاسی و انتخاباتی اسرائیل، تصمیم‌های امنیتی و نظامی ایالات متحده، مواضع رسمی تهران، ظرفیت واقعی میانجیگران منطقه‌ای و میزان آمادگی طرف‌ها برای پذیرش ترتیباتی که بتواند نگرانی‌های متقابل را، دست‌کم در کوتاه‌مدت، مهار کند. البته نزدیکی یک انتخابات با افزایش تحرکات نظامی، به‌خودی‌خود، وقوع جنگ را قطعی نمی‌کند؛ همان‌گونه که تسادوم رایزنی‌های دیپلماتیک نیز لزوماً به معنای نزدیک‌بودن توافق نیست. در نهایت، منطقه در برابر معادله‌ای دشوار قرار گرفته است: دیپلماسی‌ای که با محدودیت‌های جدی روبه‌روست، اما هنوز می‌تواند از تشدید بحران جلوگیری کند و تقابل نظامی‌ای که حتی بدون تصمیم قطعی برای آغاز جنگ، بر محاسبات سیاسی و امنیتی طرف‌ها سایه انداخته است. در چنین لحظه‌ای، پرهیز از خوش‌بینی بی‌بشतोانه به همان اندازه ضروری است که دوری از پیش‌بینی‌های قطعی و هراس‌افکنانه. آنچه سرنوشت تحولات را رقم خواهد زد، نه صرفاً فن‌تن تدبیرانه‌ها یا نمایش قدرت نظامی، بلکه تصمیم‌های عملی طرف‌ها، اعتبار تضمین‌های متقابل و توانایی آنان در حفظ حداقلی از ارتباط برای جلوگیری از عبور بحران از نقطه کنترل خواهد بود.

نقش میانجیگران و آخرین تلاش‌های دیپلماتیک

با وجود بن‌بست آشکار بین ایران و آمریکا، تلاش‌های میانجیگرانه همچنان ادامه دارد. عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، در سفر به تهران با مقامات ارشد از جمله مسعود یرشکیان و محسن رضایی دیدار کرد. منابع دیپلماتیک به‌الاکریه گفته‌اند هدف این مذاکرات، تسهیل فرآیندهای صلح‌آمیز بوده و پاکستان بر انعطاف بیشتر ایران در پرونده هسته‌ای تأکید کرده است. هم‌زمان موضوع حوثی‌ها و امنیت عربستان نیز مطرح شده و منیر گوشزد کرده اسلام‌آباد بر سه امر امنیت ملی خود مصالحه نخواهد کرد. طبق اخبار واصله گویا هیئت قطری نیز سفری به تهران داشت و در عین حال مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در دوحه اعلام کرد که تهران طی چند ساعت یا چند روز آینده به پیشنهادهای میانجیگرانه پاسخ خواهد داد. پیشنهاد میانه شامل پرداخت سود شش میلیارد دلار دارایی‌های مسدودشده در قطر و بازدید محرمانه بازرسان آژانس بوده که با واکنش مثبت اولیه مواجه شده اما جزئیات نهایی مشخص نیست. روس‌ها هم کماکان کانال دیپلماتیک خود را فعال نگه داشته‌اند؛ همچنانی که سرگی لاوروف،

وزیر خارجه روسیه پس از سفر به تهران به تحرکات میانجیگرانه خود ادامه داده و در عین حال پس از دیدار پوتین با استیو ویتکاف در سن‌پترزبورگ اعلام شد که روسیه آماده میانجیگری است و پوتین تأکید کرده امکانات دیپلماسی تمام نشده و دستیابی به توافق با تهران ممکن و ضروری است. الجزیره گزارش داده این تحرکات راه را برای نقش گسترده‌تر مسکو باز می‌کند هرچند جزئیات پیشنهادها علنی نشده است. با وجود این تریثا پارسی، معاون اندیشکده کوئینسی، وضعیت کنونی را با‌دآور روزهای پیش از ۲۸ فوریه دانسته و معتقد است ترامپ از قبل تصمیم خود را برای جنگ مجدد گرفته و دیپلماسی جاری صرفاً نمایشی است. ولی نصر، مشاور سابق اوپاما نیز هشدار داده تمام نشانه‌ها حاکی از بازگشت آمریکا به جنگ است و دور بعدی ممکن است آغاز فروپاشی گسترده‌تری در منطقه باشد. این تلاش‌های میانجیگرانه در حالی صورت می‌گیرد که اعتماد متقابل به شدت کاهش یافته و هر پیشنهاد جدید با شرط‌های سخت‌گیرانه‌تری روبه‌رو می‌شود. با این حال ادامه کانال‌های غیرمستقیم نشان می‌دهد هیچ‌یک از طرف‌ها هنوز مسیر نظامی را به‌عنوان گزینه نهایی نپذیرفته‌اند. الاخار لبنان نیز مدعی شده منیر حامل آخرین هشدار کاخ سفید بوده که خواستار امتیازهای هسته‌ای پیش از هر گام دیگر است و در غیر این صورت ایران با خطر حمله گسترده مواجه خواهد شد. گفته می‌شود این حمله تأسیسات کوه کلنگ را هدف قرار خواهد داد اما مقامات ایرانی هرگونه امتیاز هسته‌ای پیش از توقف جنگ را رد کرده‌اند و تأکید دارند سرنوشت جنگ باید پیش از هر توافق هسته‌ای مشخص شود. این بن‌بست عمیق‌تر مانع پیش‌روی میانجیگران است.

آماده‌سازی‌های نظامی آمریکا و لفاظی‌های ترامپ

به موازات امیدهای کم‌سوی دیپلماتیک، در روی دیگر سکه دونالد ترامپ در اظهارات متعدد اعلام کرده که با ایرانی‌ها مذاکره نمی‌کند و بیشتر مردم معتقدند پس از انتخابات میان‌دوره‌ای در ایران دست به کاری خواهند زد. او مدعی شده توانایی غنی‌سازی ایران طی دو عملیات گچش نیمه‌شب و خشم حماسی نابود شده و محاصره تنگه هرمز همچنان حفظ می‌شود. ترامپ همچنین گفته ایران تمام تلاش خود را می‌کند تا پیش از انتخابات قیمت نفت را بالا ببرد و تهران هرگز نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد. در همین حال پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا پس از دیدار با مقامات اسرائیلی تأکید کرده که واشینگتن درباره جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مصمم است و خسارات سنگینی به توانمندی‌های نظامی تهران وارد شده. اما اگر ترامپ بخواهد فراتر برود آماده‌اند. گزارش‌های متعدد از جمله وال‌الستریزژرنال، نیویورک تایمز و سی‌ان‌ان حاکی از تدوین طرح‌هایی برای ازسرگیری حملات مشترک پس از انتخابات میان‌دوره‌ای است. این حملات احتمالاً کوه‌ای، اما شدید خواهند بود و اهدافی چون تأسیسات هسته‌ای زیرساخت‌های انرژی و زرادخانه موشکی و پهپادی را دربر می‌گیرند. از سوی دیگر خبرها حکایت از آن دارد که ارتش آمریکا در حال جابه‌جایی تیرها در پایگاه‌های منطقه‌ای مشابه اقدامات پیش از جنگ فوریه است و سومین گروه رزمی ناو هواپیمابر به همراه یگان تفنگداران دریایی به منطقه اعزام شده‌اند. وزارت خارجه آمریکا دستور تخلیه کارکنان غیر ضروری و خانواده‌های آنان از عربستان سعودی و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس را صادر کرده است که نشان‌دهنده افزایش نگرانی‌های امنیتی است. آنا کلی، سخنگوی کاخ سفید، بارها تأکید کرده که پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای هیچ حمله‌ای انجام نخواهد

«شرق» از گرهِ خوردن سرنوشت جنگ با رقابت‌های انتخاباتی آمریکا و اسرائیل گزارش می‌دهد

دو صندوق، یک ماشه

محسن رضایی؛ مذاکرات متوقف شده است

شد. البته مشاوران ترامپ طرح‌هایی آماده کرده‌اند که به‌محض صدور فرمان قابل اجراست.

در این بین جیک سالویان، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا هم جنگ مجدد با ایران را اشتباه بزرگی دانسته که اختلاف منافع تل‌آویو و واشینگتن را آشکار کرده زیرا نتانیاهو از بسته‌ماندن تنگه هرمز نگران نیست، در حالی که برای آمریکا اهمیت دارد. کریس مورفی، سناتور دموکرات نیز ترامپ را متهم کرده که جنگی را بدون برنامه عملی برای حفاظت از نیروهای آمریکایی آغاز کرده است. این تحرکات نظامی در کنار لفاظی‌های ترامپ مبنی بر اینکه خیلی زود کار ایران را تمام خواهند کرد و بسیاری از میهن‌پرستان جنگ را دوست دارند فضای بیش از انتخابات آمریکا را نیز تحت تأثیر قرار داده است. افزایش قیمت سوخت در ایالت‌هایی مانند آیووا نارضایتی بخشی از پایگاه جمهوری‌خواه را برانگیخته و برخی نامزدها خواستار پایان سریع جنگ شده‌اند. با وجود این ترامپ در سخنرانی‌های انتخاباتی وعده پایان قاطع را تکرار می‌کند و هم‌زمان گزینه‌هایی چون استفاده از مادر همه بمب‌ها را در بررسی نگه داشته است. این دوگانگی میان آمادگی نظامی و محدودیت‌های انتخاباتی نشان می‌دهد تصمیم نهایی هنوز گرفته نشده اما زیرساخت‌های لازم برای اقدام سریع پس از سوم نوامبر (انتخابات کنکره) فراهم شده است. گزارش‌ها حاکی است که ناو هواپیمابر یواس اس تئودور روزولت و ۱۳ یگان اعزامی تفنگداران دریایی در مسیر خاورمیانه هستند و حدود ۱۰ هزار ملوان و تفنگدار را به منطقه می‌آورند. این افزایش حضور نظامی توان عملیات شبانه‌روزی را گسترش داده اما ذخایر موشک‌های رهگیر که در اوج درگیری‌ها کاهش یافته بود همچنان نگرانی آفرین است. مقامات آمریکایی احتمال ازسرگیری درگیری‌ها را عملیاتی کوتاه اما شدید توصیف کرده‌اند و برخی از برنامه‌ریزان اطمینان دارند که یک کارزار فشرده سه‌روزه می‌تواند خسارت اقتصادی کافی وارد کند. با این حال تجربه نشان داده چنین پیش‌بینی‌هایی اغلب نادرست از آب درآمده و ایران توانسته در برابر فشارها مقاومت کند.

مواضع رسمی تهران و هشدارهای راهبردی

در میانه معادلات مربوط به جنگ تحمیلی دوباره، مقامات کشورمان در پاسخ به تحولات اخیر بر ادامه مسیر دیپلماسی مشروط و هم‌زمان آمادگی دفاعی تأکید کرده‌اند. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در مصاحبه با شبکه عراقی اعلام کرده مذاکرات از طریق پاکستان و قطر همچنان ادامه دارد و طرح هفت‌روزه ارائه شده که براساس آن در روز ششم تنگه هرمز باز می‌شود، اما آمریکایی‌ها خواستار افزودن بندهایی شده‌اند. عراقچی در یادداشتی هم برای فاینشال‌تایمز نوشته که ایران هیچ اعتمادی به صداقت واشینگتن ندارد، زیرا رد گذشته در میانه مذاکرات مورد حمله قرار گرفته و تنها در صورت مشاهده نشانه‌های قوی از تمایل صادقانه آمریکا آماده فرصت دیگری به دیپلماسی است. عراقچی تأکید کرده ایران همواره اهرم فشار در تنگه هرمز را حفظ خواهد کرد و این آبراه غریق‌بال جایگزینی است. محمداقار قالیباف، رئیس مجلس و رئیس تیم مذاکره‌کنندگان نیز در پیامی هشدار داده که جنگ با ایران حداقل ۱۰ پیامد تلخ برای آمریکا از جمله سقوط بازار سهام، افزایش بدهی، تورم و تلفات سربازان به همراه خواهد داشت و ماتریکس ساختگی را باید رد هم شکست.

محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگو با دراپ‌سایت اعلام کرده هدف ایران، دوام‌آوردن تا سال ۲۰۴۹ نیست، بلکه پایان جنگ با شرایطی است که احتمال درگیری دیگر را کاهش دهد. او گفته اگر دیپلماسی بتواند این درک را ایجاد کند که اقدام علیه ایران هزینه دارد، دیپلماسی ترجیح داده می‌شود. اما در صورت جنگ، دامنه اهداف گسترش‌ث می‌یابد و کابل‌ها، مراکز داده و تأسیسات هوش مصنوعی نیز می‌توانند هدف قرار گیرند. رضایی تأکید کرده مواد هسته‌ای غنی‌شده در داخل ایران باقی می‌مانند و حتی یک ذره خارج نخواهد شد و شروط هفت‌گانه ایران باید پیش از هر گامی اجرا شود. سیاه پاسدارن نیز هشدار داده اگر آمریکا به اسکورت کشتی‌ها در تنگه ادامه دهد، پایگاه‌های آمریکایی هدف قرار خواهند گرفت. گزارش وال‌استریت ژورنال حاکی است ایران از طریق میانجی‌ها هشدار داده پاسخ به حمله جدید به فرودگاه‌ها، خطوط لوله و اهداف غیرنظامی کشورهای خلیج فارس را نیز در بر خواهد گرفت و تولید موشک‌های بالستیک در مقیاس محدود از سر گرفته شده است. این مواضع نشان‌دهنده خط قرمز روشن تهران در برابر هرگونه امتیاز هسته‌ای پیش از توقف جنگ و محاصره است و هم‌زمان آمادگی برای پاسخ گسترده‌تر را اعلام می‌کند. رضایی همچنین گفته طی دو با سه ماه گذشته هر شب به‌طور میانگین پنج کشتی متعلق به قاچاقچیان هدف قرار گرفته و قاچاق در بخش جنوبی تنگه با هزینه سنگین ادامه دارد. او تأکید کرده ترامپ در دام طولانی‌کردن جنگی افتاده که قرار بود کوتاه‌ترین جنگ باشد و جنگ فرسایشی به نفع ایران تمام خواهد شد. این ارزیابی بر پایه تجربه ماه‌های گذشته استوار است که نشان داده ایران حتی پس از خسارات سنگین، توان تولید و استقرار مستمر را حفظ کرده است.

محسن پاک‌آیین: ایران در زمین طراحی شده از سوی اسرائیل بازی نخواهد کرد

محسن پاک‌آیین در گپ‌وگفتش با «شرق» ابتدا اعتقاد دارد که رفتار و مواضع مقام‌های اسرائیلی را باید در چارچوب محاسبات سیاسی و انتخاباتی این رژیم ارزیابی کرد؛ محاسباتی که به باور او، می‌تواند بر افزایش تنش‌ها و تلاش برای جهت‌دهی به فضای داخلی اسرائیل تأثیر بگذارد.
سفير اسبق کشورمان در جمهوری آذربایجان با اشاره به مواضع بنیامین نتانیاهو و مقام‌های امنیتی و دفاعی اسرائیل، احتمال تمایل این رژیم به تشدید تقابل پیش از انتخابات را مطرح می‌کند، اما در عین حال تأکید دارد که آغاز جنگ از سوی اسرائیل می‌تواند پیامدهای سیاسی نامطلوبی برای آن به همراه داشته باشد.
به گفته او، نتانیاهو ممکن است ترجیح دهد ایران آغازگر درگیری معرفی شود تا اسرائیل بتواند اقدامات نظامی خود را در چارچوب دفاع مشروع توجیه کند. و از این طریق، فضای انتخاباتی را تحت تأثیر قرار دهد.

او در این زمینه تأکید می‌کند که «ما فاکتور نخواهیم شد و در زمینی که رژیم صهیونیستی تمایل دارد ما در آن بازی کنیم، بازی نخواهیم کرد». این موضع، از نگاه پاک‌آیین، بیانگر ضرورت هوشیاری در برابر تحرکات احتمالی اسرائیل و پرهیز از اقداماتی است که بتواند بهانه لازم را برای گسترش درگیری فراهم کند.
این دیپلمات پیشین با اشاره به احتمال هم‌زمانی تشدید تنش با افزایش عملیات نظامی اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی، به‌ویژه کرانه باختری، معتقد است تحولات روزهای منتهی به انتخابات می‌تواند با اهداف سیاسی و امنیتی نتانیاهو پیوند داشته باشد. او با اشاره به دشواری‌های ائتلاف‌سازی و وضعیت حزب لیکود، بر ضرورت رصد دقیق تحولات و آمادگی در برابر اقدامات احتمالی اسرائیل تأکید می‌کند.
پاک‌آیین درباره ابعاد و مدت احتمالی جنگ نیز معتقد است نمی‌توان از پیش درباره طول زمان درگیری دآوری قطعی کرد؛ با این حال، به گفته او، پاسخ ایران در صورت حمله، شدید خواهد بود و دامنه آن می‌تواند منافع آمریکا و اسرائیل را نیز دربر بگیرد. دیپلمات پیشین و تحلیلگر مسائل بین‌الملل، تصریح می‌کند که «قطعا پاسخ ما شدید خواهد بود؛ یعنی شدیدتر از حمله‌ای که آنها علیه ما انجام دهند». این اظهارات نشان می‌دهد که در ارزیابی او، هرگونه اقدام نظامی علیه ایران با واکنشی متناسب و گسترده مواجه خواهد شد؛ واکنشی که به باور وی، صرفاً به محل آغاز حمله محدود نخواهد ماند.

با وجود مواضع تند مقام‌های آمریکایی و اسرائیلی و اظهارات اخیر درباره توقف مذاکرات، پاک‌آیین پایان مسیر دیپلماتیک را قطعی نمی‌داند و تصریح می‌کند که تهران همچنان آمادگی خود را برای ادامه گفت‌وگوها، با حفظ حقوق و شروط مورد نظر ایران، اعلام کرده و از نقش‌آفرینی میانجی‌های منطقه‌ای استقبال می‌کند.
به گفته سفير اسبق ایران در ازبکستان، هدف تهران باید توقف جنگ و بازگشت امنیت و آرامش به منطقه باشد؛ با این حال، تحقق این هدف به اراده طرف مقابل برای ورود جدی به مذاکرات وابسته است. پاک‌آیین در این‌باره می‌گوید «از طرف ایران میز مذاکره باز است و ما از حضور میانجی‌ها استقبال می‌کنیم». او در نهایت، مسئولیت بن‌بست کنونی را متوجه رویکرد آمریکا می‌داند و معتقد است برای احیای دیپلماسی باید این واقعیت را در نظر گرفت که ادامه فشار و تهدید، جایگزین اراده سیاسی برای دستیابی به توافق نخواهد شد.
از نگاه این دیپلمات پیشین، حفظ آمادگی دفاعی در کنار باز نگه‌داشتن مسیر مذاکره، دو مؤلفه‌ای هستند که تهران در مواجهه با شرایط حساس کنونی باید به‌طور هم‌زمان دنبال کند.



در آستانه انتخابات پارلمانی اسرائیل و انتخابات کنکره آمریکا، هم‌زمانی رقابت‌های سیاسی با تشدید تهدیدهای نظامی علیه ایران، بار دیگر این پرسش را پیش کشیده است که آیا تحولات انتخاباتی می‌تواند بر زمان‌بندی و ابعاد احتمالی یک رویارویی نظامی اثر بگذارد؟ صباح زنگنه در گفت‌وگوی خود با «شرق»، ضمن اشاره به هم‌زمانی تحولات انتخاباتی اسرائیل و آمریکا با افزایش تنش‌ها پیرامون ایران و احتمال وقوع جنگ مجدد، معتقد است که نباید پیوند میان رقابت‌های سیاسی و تهدیدهای نظامی را نادیده گرفت؛ با این حال، تهران باید از قرارگرفتن در زمین تبلیغاتی رقبای خود پرهیز کند.
به گفته تحلیلگر ارشد جهان عرب، دولت آمریکا و دولت اسرائیل می‌کوشند از موضوع تقابل با ایران برای بهبود موقعیت انتخاباتی خود بهره بگیرند؛ رویکردی که می‌تواند به تشدید فضای تهدید و افزایش فشارهای سیاسی و روانی بر تهران بینجامد. دیپلمات پیشین کشورمان در این زمینه تأکید می‌کند: «بهترین راه این است که با بی‌اعتنایی کامل به نتانیاهو و انتخاباتش، موج‌سازی تبلیغاتی بی‌وجه باشد». از نگاه این حقوق‌دان، هرگونه موضع‌گیری ایران که در فضای انتخاباتی اسرائیل قابلیت بهره‌برداری داشته باشد، ممکن است به تقویت فضای تبلیغاتی بنیامین نتانیاهو کمک کند. از همین رو، خویشتن‌داری در عرصه رسانه‌ای و پرهیز از واکنش‌های هیجانی، در کنار حفظ آمادگی‌های دفاعی، می‌تواند بخشی از ملاحظات تهران در مواجهه با شرایط جاری باشد.
این تحلیلگر مسائل منطقه، در پاسخ به پرسشی درباره احتمال وقوع جنگ در روزها و هفته‌های پیش‌رو، بر ضرورت آمادگی همه‌جانبه تأکید دارد؛ آمادگی‌ای که به معنای قطعی دانستن وقوع درگیری نیست، بلکه از الزامات مدیریت تهدید در حوزه امنیت ملی محسوب می‌شود.
زنگنه معتقد است که مسئولان باید همه سناریوهای ممکن را در محاسبات خود لحاظ کنند و در عین حال، از دامن‌زدن به فضای تبلیغاتی میانجی‌های آمریکا و اسرائیل پرهیزند. کارشناس مسائل غرب آسیا با اشاره به احتمال تفاوت معادلات هرگونه درگیری احتمالی با رویارویی‌های گذشته، ارزیابی می‌کند که تداوم تقابل نظامی می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای آمریکا و اسرائیل به‌همراه داشته باشد. او در این چارچوب، تقویت توان دفاعی و توسعه سامانه‌های پدافندی ایران را ضروری می‌داند و بر نقش ظرفیت‌های فناوریانه داخلی تأکید می‌کند.
به باور او، سرمایه‌گذاری روی توانمندی‌های دفاعی و بهره‌گیری از دستاوردهای نیروهای جوان و متخصص کشور، می‌تواند قدرت بازدارندگی ایران را تقویت کند. با این حال، تحقق چنین هدفی مستلزم ارزیابی دقیق تحولات میدانی و پرهیز از محاسباتی است که هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای بر کشور و منطقه تحمیل کند.
زنگنه با اشاره به تشدید ادبیات مقام‌های اسرائیلی و شخص نتانیاهو علیه جمهوری اسلامی و طرح موضوع تغییر نظام، این رویکرد را محدود به تحولات انتخاباتی اخیر نمی‌داند.
به گفته او، آنچه در مواضع رسمی و سیاسی اسرائیل درباره ایران مشاهده می‌شود، در امتداد نگرشی دیرپا قرار دارد که به زعم او، از دهه‌های گذشته در بخشی از سیاست این رژیم دنبال شده است. وی در این‌باره می‌گوید: «این خطی است که از زمان نخست‌وزیری منوچهر بن‌گیم بوده و هست و حالا در یک مقطعی کاهش پیدا کرده، اما هیچ‌وقت منتهی نشده است».
زنگنه بر همین اساس، آمادگی ایران در برابر تهدیدهای احتمالی را ضروری می‌داند، اما میان مقابله با سیاست‌های تهدیدآمیز و هدف قراردادن ساکنان سرزمین‌های اشغالی تمایز قائل می‌شود. او با اشاره به حضور یهودیان ایرانی‌تبار، مسلمانان، مسیحیان و دیگر گروه‌های اجتماعی در آن سرزمین‌ها، بر حق حیات آنان تأکید می‌کند و معتقد است مقابله با سیاست‌های جنگ‌طلبانه و اشغالگری باید متوجه تصمیم‌گیران و ساختارهای مولد بحران باشد، نه مردمی که با وجود تفاوت‌های دینی و اعتقادی، از حق زندگی برخوردارند.
از این منظر، مهار تنش‌های منطقه‌ای و جلوگیری از گسترش جنگ، در کنار حفظ آمادگی دفاعی، همچنان از مهم‌ترین ضرورت‌های پیش‌روی ایران و منطقه به شمار می‌رود.